

شیخ محمد مصطفی مراغی، جوان ترین مفتی تقریبی الازهر

عزالدین رضائزاد*

تذکار

یکی از پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی در قرن چهاردهم هجری، عالم برجسته اهل سنت، جوان ترین مفتی الازهر، استاد شیخ محمد مصطفی مراغی است. اندیشه‌های اصلاح‌گرانه وی در حوزه‌های علمی و دینی و اهتمام به امور اجتماعی - فرهنگی و وحدت و یکپارچگی امت اسلامی، به گونه‌ای بود که زبان تحسین همه را برانگیخت. در این نوشتار کوتاه، به معرفی این شخصیت تقریبی می‌پردازیم.

۱- ولادت و تحصیل علم

در شهر مراغه از استان سوهاج، در خانواده‌ای علاقه‌مند به علم و دانش در تاریخ ۱۸۸۱/۳/۵ م (و به قولی نهم مارس ۱۸۸۱ مطابق با ۱۲۹۸ هجری قمری) پسری به دنیا آمد که اسمش را محمد مصطفی گذاشتند.

در نوجوانی قرآن کریم را حفظ کرد و سپس وارد دانشگاه الازهر شد و از اساتید بزرگ آن بهره‌ها برد. وی از نظر سنی جوان‌ترین شخصی است که به درجه علمی «العالمیة» رسیده است. محمد مصطفی در میان سایر دانش‌پژوهان نفر اول بود و در سال ۱۳۲۲ هـ ق / ۱۹۰۴ م. در سن ۲۳ سالگی نزد استاد امام محمد عبده و دیگر علما امتحان داده و از عهده آن به خوبی برآمد و پس از آن، مناصب مختلفی را در الازهر به عهده گرفته است.

* استادیار، مدرس حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

۲- ویژگی‌های اخلاقی

استاد مراغی از حافظه قوی برخوردار و با هوشمندی ذاتی به استقلال فکری مشهور بود. در رفتار با رقیبان و مخالفان، احترام آنان را حفظ می‌کرد. از نفاق و تملق به دور بود. پشتکار و جدیت زیادی به خرج می‌داد، مدام کار می‌کرد و احساس خستگی در او پدیدار نبود.

۳- تألیفات

استاد مراغی آثار زیادی را در زمینه تفسیر قرآن، فقه و ادبیات عرب و نیز ارایه برنامه‌های اصلاحی، به ویژه برنامه‌های مرتبط با دانشگاه الازهر و قوانین خانواده، از خود به جای گذاشته است. مهم‌ترین آثار علمی برجای مانده وی عبارت است از:

۱- الأولیاء و المحجورون؛ این کتاب شامل مباحث فقهی است و هم‌چنان به صورت خطی در کتابخانه الازهر نگهداری می‌شود. وی با ارایه این مباحث عمیق فقهی به عضویت «هیئت کبار العلما» درآمد.

۲- تفسیر جزء تبارک؛ استاد مراغی این تفسیر را به عنوان مکمل و تکملاً تفسیر جزء «عم» استاد محمد عبده، قرار داده است.

۳- مقاله‌ای در زمینه وجوب ترجمه قرآن کریم؛

۴- مقاله‌ای برای کنفرانس ادیان در لندن با عنوان «الزماله الإنسانیة»؛

۵- بحث‌هایی در قوانین اسلامی و مستندات قانون ازدواج به شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹؛

۶- مباحثی در بلاغت و ادبیات عرب؛

۷- جزوه‌های درسی مشتمل بر تفسیر برخی از سوره‌های قرآن که در مجله الازهر چاپ شده است. این دروس در مساجد بزرگ قاهره و اسکندریه ارایه شد که ملک فاروق از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۴ هجری قمری در آن حضور داشت.

۴- شیخ مراغی در دیدگاه دیگران

مرتبه علمی و مقام عالی و برجسته شیخ مراغی بر کسی پوشیده نیست. برای یادآوری بیشتر، سخنان برخی از بزرگان را درباره وی مرور می‌کنیم:

الف) دکتر سید محمد طنطاوی، مفتی الأزهر:

به‌رغم این که عمر شیخ مراغی کوتاه بود اما زندگی‌اش نسبت به آثار علمی به جای گذاشته، طولانی و بزرگ است.

ب) دکتر نعمات أحمد فؤاد:

(از ویژگی شیخ مراغی این است که) وی بین علوم دینی و علوم طبیعی جمع کرد؛ همان‌گونه که به اعجاز علمی قرآن با ضابطه مربوط، معتقد بود. هم‌چنین به ادبیات علاقه‌مند بود و در این زمینه، شعر و نثر از او باقی است. وی به مطالعه و تدریس تطبیقی ادیان پرداخته تا در ضمن آن چهره درخشان اسلام را معرفی نماید. او تأکید می‌نمود که پیشرفت علمی و فلسفی قدرت جلوگیری از جنگ و درگیری را ندارد و جهان پیشرفته علمی، شاهد وحشی‌گری و جنایت است و فقط اسلام می‌تواند انسان‌ها را از جنگ و خون‌ریزی باز دارد.

ج) دکتر محمد نایل رئیس پیشین دانشکده زبان عربی و دوست امام مراغی:
استاد مراغی یک انقلابی بود که در مسیر حق از کسی هراس نداشت.

۵- مسئولیت‌های اجرایی و علمی

۱- شیخ مراغی پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۲۲ هـ / ۱۹۰۴ م، از سوی استادش شیخ محمد عبده به سمت قاضی منصوب شد تا در شهر «دقله» کشور سودان به امر قضاوت بپردازد. وی این مسئولیت را پذیرفت و تا سال ۱۹۰۷ م (به مدت سه سال) به امر قضا اشتغال داشت و از آن‌جا که حاکم نظامی انگلیس در سودان، به طور مداوم مخالفت و کارشکنی می‌کرد، وی از سمت خویش استعفا داد و به مصر برگشت.

۲- از سال ۱۹۰۷ به بعد در مصر در منصب قضاوت مشغول به کار بود تا این که در سال ۱۹۲۳ م. به ریاست محکمه عالی شرعی مصر دست یافت.

۳- در سال ۱۹۲۸ م. در حالی که ۴۷ بهار از عمرش گذشته بود به عنوان شیخ الازهر برگزیده شد. وی جوان‌ترین فردی بود که در تاریخ الازهر، به این مقام دست یافت.

۴- نظرات اصلاحی وی درباره برنامه‌های آموزشی و ساختار الازهر با مخالفت ملک فؤاد روبه‌رو شد و او از ریاست الازهر استعفا داد.

۵- با اعتصاب و فشار اساتید و دانشجویان الازهر، ملک فؤاد از نظرش برگشت و بار دیگر شیخ مراغی در آوریل ۱۹۳۵ به ریاست الازهر برگزیده شد و پس از ده سال تلاش برای پیشرفت علمی و دینی الازهر، بالاخره در ۲۲ آگوست ۱۹۴۵ دار فانی را وداع گفت.

۶- تفکر اصلاحی و تقریب مذاهب اسلامی

استاد مراغی را باید از اصلاح‌گران در عرصه مسایل دانشگاه الازهر، قضاوت و تقریب مذاهب اسلامی دانست. وی همواره همان روش را در پیش گرفته بود که استادش شیخ محمد عبده به کار می‌گرفت. در ذیل به نمونه‌هایی از افکار اصلاح‌گرایانه او و فراخوانی جامعه علمی و دانشگاهی به آموختن و به کارگیری قوانین مترقی مذاهب و... اشاره می‌شود:

الف) اصلاحات قضایی

مرحوم مراغی در عرصه تأمین عدالت و اصلاح امور مردم، روش ویژه‌ای را به کار گرفته بود؛ وی معتقد بود که قاضی باید حکمش را از کتاب و سنت قطعی پیامبر ﷺ اخذ کند و قوانین غیردینی را کنار بگذارد. قاضی باید از سلطه هر قدرت و حاکمی جز ولایت الهی، رها باشد تا بتواند عدالت را بدون ترس و هراس در جامعه برپا دارد. وی بر این عقیده بود که اصلاح قوانین قضایی، نیمی از کار قضاوت است؛ از این رو کمیته‌ای را به ریاست خودش تشکیل داد تا قوانین مربوط به احوال شخصیه در مصر را دوباره بررسی نمایند.

وی اعضای کمیته مذکور را از تقید به مذهب خاصی بر حذر داشت.

از آن‌جا که قضاوت مصری فقط بر اساس فقه حنفی حکم می‌کردند، استاد مراغی آنان را وادار کرد به آرای مذاهب دیگر توجه نمایند و اگر به مصلحت عموم جامعه بود آن را اخذ کنند. وی به اعضای کمیته گفته بود: «قانونی را وضع کنید که طبق مقتضیات زمان و مکان باشد، زیرا شریعت اسلامی از چنان آسان‌گیری و توسعه‌ای برخوردار است که می‌توانیم احکام فرعی آن را در زمینه‌های حقوق مدنی و جزایی به گونه‌ای که برای هر زمان مفید باشد، اخذ کنیم».

ب) اصلاح الازهر

یکی از اموری که در اولویت کاری شیخ مراغی بود، اهتمام به پیشرفت و تکامل الازهر بود. زمانی که وی مسئولیت اداره الازهر را به عهده گرفت، انجمنی تشکیل داد تا قوانین جاری و برنامه‌های آموزشی آن را بازنگری نمایند. از سوی دیگر، وی قانونی را به ملک فؤاد اول که در آن وقت بر امور الازهر اشراف داشت ارایه داد، اما اطرافیان پادشاه اظهار داشتند که شیخ مراغی قصد دارد الازهر را از تحت اشراف قصر پادشاهی جدا کند، به همین خاطر پادشاه، قانون ارایه شده را رد کرد. استاد مراغی چاره‌ای ندید جز این‌که از سویی مقررات ویژه‌ای برای اصلاح الازهر وضع کند و از سوی دیگر از ریاست الازهر استعفا دهد. ملک فؤاد، استعفایش را پذیرفت ولی اعتصاب اساتید و

دانش‌پژوهان که مدت چهارده ماه به طول انجامید، ملک فؤاد را مجبور کرد بار دیگر مراغی را به ریاست الازهر بگمارد.

پس از بازگشت شیخ مراغی به الازهر، وی سه دانشکده تأسیس کرد که طول تحصیل آن چهار سال بود و دانشجوی در یکی از رشته‌های تحصیلی، متخصص می‌شد. این سه دانشکده عبارت بودند از:

۱. دانشکده زبان عربی؛ ۲. دانشکده شریعت و قانون؛ ۳. دانشکده اصول دین (علم کلام). استاد مراغی تأکید می‌کرد که در آرایه برنامه‌های درسی باید از تقلید و تلقین پرهیز شده و روش‌های جدید به کار گرفته شود و در امر اجتهاد و نظریه‌پردازی توسعه داده شود. وی برای آن که دانشجویان بتوانند اسلام و فرهنگ اسلامی را به غیر مسلمانان برسانند، دستور داد زبان خارجی آموزش داده شود. هم‌چنین با شرکت عالمان بزرگ کمیته‌ای برای افتاء در داخل دانشگاه الازهر ایجاد کرد تا به پرسش‌های دینی افراد و گروه‌ها پاسخ داده شود. و نیز بزرگ‌ترین هیئت دینی در جهان اسلام را تشکیل داد که مرکب از ۳۰ عالم دینی بود و شرط عضویت هر یک از اعضا این بود که در پیاده کردن فرهنگ دینی در جهان سهم به‌سزایی داشته باشند و رساله علمی که بیان‌گر جرئت علمی و ابتکار آنان باشد ارائه دهند.

ج) تقریب مذاهب اسلامی

از فعالیت‌های دیگر شیخ مراغی دعوت به تقریب مذاهب اسلامی و نیز نزدیک کردن گروه‌های مختلف مسلمانان به یک‌دیگر می‌باشد. در این مورد وی تلاش زیادی نمود که از جمله آنها گفت‌وگوهای وی با آقاخان (رهبر اسماعیلیه) بود، با این هدف که بتواند هیئتی را برای پژوهش دینی تشکیل دهد که سرلوحه کار آن تعمیق روابط بین مسلمانان در تمام جهان باشد و بتواند به نوعی با گروه‌های آموزشی در کشورهای اسلامی همکاری داشته باشد و مسلمانان را به یک‌دیگر نزدیک و مرتبط کند گرچه از مذاهب و فرقه‌های گوناگون باشند. به دلیل این گونه فعالیت‌ها است که شیخ مصطفی مراغی به عنوان یکی از پیشگامان تقریب مذاهب در قرن چهاردهم مطرح می‌باشد.

۷- وفات شیخ و تجلیل از او

شیخ مراغی پس از گذراندن ۶۴ بهار از عمر شریف خود، در روز چهارشنبه ۱۳ رمضان ۱۳۶۲ (یا ۶۴) هجری قمری مطابق با ۲۱ آگوست ۱۹۴۵ به دیار باقی شتافت. با انتشار خبر درگذشت شیخ

مراغی، ولوله‌ای در دنیای اسلام به پا شد. در مصر ملک «فاروق» خود در مسجد به عزا نشست و در جمع نمازگزاران از آنان خواست برای شادی روح شیخ مراغی رئیس و مفتی الازهر، فاتحه بخوانند. مراسم بزرگداشت متعددی به پاس احترام وی برگزار شد. در مساجد بیروت، دمشق و قدس، نماز میت غائب برای جنازه وی خوانده شد و از کشورهای چوچون ایران، حجاز (عربستان) یمن، سوریه و لبنان هیئت‌هایی در مراسم تدفین، ترحیم و بزرگداشت وی در مصر شرکت کردند. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

مأخذ:

این مقاله با استفاده از سایت زیر، ترجمه و تدوین گردیده است:

www.islamonline.net/discussiona/message.jspa?threadid=5814-74k